

معرفی فیلم

زخم شانه هوا

«زخم شانه هوا» فیلمی است به کارگردانی و نویسندگی حسین قناعت که در سال ۱۳۸۶ روی پرده سینماها رفت. این فیلم حماسه‌سازی و اسطوره‌پروری مادران ایران زمین در ۸سال دفاع‌مقدس را به تصویر می‌کشد. داستان آن به سال‌های پایانی جنگ تحمیلی برمی‌گردد. به پیرزنی روستایی به نام‌ننه‌حسین خبر می‌رسد که فرزندش حسین برخلاف خبری که ۲سال پیش به او داده‌اند شهید نشده و زنده است و دیگر اینکه مزاری که ننه‌حسین فکر می‌کند دلیندش در آن آرمیده به شهید دیگری تعلق دارد. خبر زنده بودن حسین زمانی به گوش مردم روستا می‌رسد که روجا نامزد عقد کرده حسین قصد دارد با فرد دیگری ازدواج کند. این خبر روجا را دچار شک و تردید کرده و مانع از نشستن او بر سر سفره عقد می‌شود. ننه‌حسین همراه حاجت فرزند دیگرش راهی تهران می‌شود تا خبری از پسر گمشده‌اش بگیرد. روجا هم همراه آنها می‌شود. آنها در مسافر‌خانه‌ای مستقر می‌شوند و در همانجا ننه حسین از رادیو عراق پیام یکی از اسیران را که از زخمی شدن حسین خبر می‌دهد، می‌شنود، اما پیام به‌دلیل پارازیت‌های رادیویی نیمه‌تمام می‌ماند. ننه‌حسین به روجا و حاجت می‌گوید که برای یافتن حسین قصد دارد به داخل خاک عراق برود.



خبر

چاپ کتاب عکس چشم و چراغ ویژه والدین شهدا

مجموعه کتاب‌های عکس «چشم و چراغ» با موضوع روایت تصویری از زندگی پدران و مادران معظم شهدا با همکاری و مشارکت ادارات کت حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس هر استان، تولید می‌شود. امیرسرتیپ دوم محمود سزاوار رئیس سازمان هنری و امور سینمایی دفاع مقدس با اعلام این خبر گفت: تاکنون مجموعه عکس‌های، استان‌های تهران (دماوند، فیروزکوه و پردیس)، استان گلستان (دو جلد)، استان اردبیل، استان مرکزی، استان زنجان و استان کهگیلویه و بویراحمد تولید و منتشر شده و کتاب‌های مربوط به استان‌های بزد(دو جلد)، خراسان شمالی، اصفهان و کرمان نیز در حال طی مراحل تولید و انتشار است.

شناسایی پیکر شهید پس از ۳۵ سال

با تلاش گروه‌های تفحص شهدای پیکر مطهر شهید جوهر نوری از طریق آزمایش DNAشناسایی شد. شهید نوری متولد ۱۳۳۵ بود و از جوانانرد در استان کرمانشاه عازم جبهه شد و روز ۱۶ فروردین ۱۳۶۵ در منطقه شاخ شمرین به شهادت رسید. پیکر پاک این شهید در منطقه برج ای ماند و پس از ۳۵سال پیکر مطهر شهید از طریق آزمایش DNAشناسایی شد.

انتخاب عناصر باورپذیر

تولید بازی‌های ویدئویی در ایران بالاخص بازی‌های موبایلی با موضوع دفاع‌مقدس از اوایل دهه ۰۰ و با توجه به استقبال از بازی‌های هوشمند موبایلی، تخصصی‌تر پیگیری شد. افسری را انتخاب محتوای دقیق و متناسب با داستان‌ها و وقایع رخ‌داده را مهم‌ترین مقوله در تولید بازی‌هایی با موضوع دفاع مقدس می‌داند و اضافه می‌کند: «شاید مفاهیم ایثار، شهادت، گذشت و باورهای عمیق ایمانی و دینی شهدا را توانیم به‌خوبی به گروه سنی کودک و نوجوان انتقال دهیم اما مفهوم قهرمان، وطن‌پرست و غیور را می‌توانیم برای این رده سنی در قالب بازی تداعی کنیم. این رده سنی وقتی

گردآوری و توسط انتشارات نارگل به چاپ رسید. شهید سعید طوقانی سال ۱۳۴۴ به دنیا آمد و از کودکی با تشویق پدر و عموش در باشگاه جعفری به ورزش باستانی پرداخت و در سن ۷سالگی در جشن هنر طوس نشان و بازویند طلای پهلوانی کشور را به‌دست آورد. او در این جشن که حدود ۵۰۰ نفر از بزرگان ورزش باستانی حضور داشتند با اجزای حرکات نمایشی خوش درخشید و توانست همه را متعجب کند. به‌گونه‌ای که فرح دبیبا از جان بلند شد و به‌سوی او رفت و پس از گفت‌وگو با سعید نشان پهلوانی را به بازویش بست. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «با شروع حرکت مردم به رهبری امام خمینی (ره) علیه حکومت طاغوت، سعید نیز همراه بزرگ‌ترها خانواده خود در آن مشارکت کرد و با سیل خروشان ملت همراه گشت. او بعد از شهادت برادر بزرگ‌ترش محمد تلاش زیادی کرد تا به جبهه برود. اما به‌دلیل کمی سن موفق نشد. تا اینکه با دستکاری شناسنامه موفق به اعزام شد. او با حضور در پادگان دو کوهه، به همراه شهید «عباس دائم‌الحضور» توانست زرمندگان را به ورزش باستانی جذب کند.» او بعد از حضور چند ماهه در جبهه در عملیات بدر شهید شد و پیکرش بعد ۴۱سال به خانه برگشت.

ایتار ومقاومت



عملیات‌های دفاع‌مقدس در قالب بازی «فرماندهان» شبیه‌سازی می‌شود

گزارشی از ضرورت ساخت و معرفی بازی‌های رایانه‌ای برای ترویج فرهنگ ایثار در میان کودکان و نوجوانان

شهره کیانوش‌راد روزنامه‌نگار

کتاب، فیلم و مستند ابزاری فرهنگی برای معرفی قهرمانان و دلاورانی است که در ۸سال دفاع مقدس چنان‌که در مقابل دشمن مقاومت کردند. گروهی از جوانان خلاق برای انتقال مفاهیم شهادت، ایثار و از خودگذشتگی آن هم برای گروه سنی کودک و نوجوان ساخت بازی های دیجیتال را انتخاب کرده‌اند. حمید افسری، مدیرعامل مؤسسه بازی و سرگرمی‌های دانش‌بنیاد مهاد که همراه با گروهی از جوانان خلاق، ساخت بازی‌های دیجیتال «ببردهور» با موضوع عملیات کر بلاي ۴و شهدای غواص را در کارنامه خود دارد، با ساخت بازی دیگری به نام «فرماندهان» تلاش کرده تا مخاطبان کودک و نوجوان بازی‌های دیجیتال را با فرماندهان شهیدی همچون حسن تهرانی مقدم، مصطفی چمران، عباس دوران، علی صیاد شیرازی، احمد کاظمی، حسن آبناسان و قهرمانانی چون حاج احمد متوسلیمان آشنا کند. تعطیلی مدارس و فرصت فراغت دانش آموزان بی‌پناه‌ای شد تا با حمید افسری در باره اهمیت ساخت بازی‌هایی با موضوع دفاع مقدس گفت‌وگو کنیم.

ساخت نخستین بازی‌های ویدئویی که با تصاویر گرافیکی محدودی همراه بوده، به اواسط سال ۱۹۵۰میلادی برمی‌گردد. در آن زمان تولید چنین بازی‌هایی صرفاً جنبه سرگرمی داشت و برای مخاطب به‌ویژه در اوقات فراغت با جذابیت‌هایی همراه بود.

حمید افسری با بررسی برخی بازی‌هایی که در آن زمان تولید می‌شد معتقد است همان زمان هم بازی‌هایی که تولید می‌شد در رده‌بندی مهارت‌های ۸گانه ذهنی، تمرکزی یا دیداری و شنیداری قرار می‌گرفت: «اولین بازی‌های شبیه‌سازی نظامی با محور قوی‌تر شدن توانمندی‌ها و مهارت‌های تخصصی و نظامی تولید شد، بنابراین می‌توانیم بگوییم از همان ابتدا برای تولید هر بازی، کارکرد آموزشی در کنار سرگرمی وجود داشت، اما هر چه به سمت دنیای دیجیتال پیش می‌رویم متوجه می‌شویم که بازی‌ها نقش عمده‌ای در آموزش، سبک زندگی و حتی مباحث استراتژی، رسانه‌ای، سیاست و اقتصاد دارند. از حدود سال ۱۹۸۰میلادی به بعد، آموزش در کنار سرگرمی به یک واژه معمول تبدیل شد و بیوست‌های آموزشی، فرهنگی و محتوایی در اهداف سازندگان بازی قرار گرفت.»

در قالب بازی احساس خودباوری مذهبی و ملی را در مخاطبان ایجاد می‌کند. کمیک موشن «فرماندهان»

ادای دین بازی‌سازان به شهدای غواص اردیبهشت‌سال ۹۴که یک‌بیکر ۱۷۵ شهید غواص بعد از ۲۹سال با استقبالی باشکوه مردم به آغوش وطن بازگشتند، ایده ساخت بازی با محوریت عملیات‌هایی از دوران دفاع مقدس شکل گرفت. تیمی ۵نفره دلشان را بای ساخت بازی گذاشتند که «ببردهور» نام گرفت و یک سال بعد هم‌زمان با سالور آزاده‌سازی خرمشهر توسط مؤسسه مهاد رسانه پژوه شیراز منتشر شد. «ببردهور» ادای احترامی بود به شهدای غواص دوران دفاع مقدس به‌خصوص شهدای غواص عملیات کر بلاي ۴که در زمان انتشار تقدیم آنها شد. بعد از حدود ۳سال از عرضه این بازی، ساخت نسخه دوم این بازی با کمک پلی و گرافیک جناب‌تر از نسخه اول در سال ۱۴۰۱آشروع شده و قرار است در سوم خرداد سال ۱۴۰۲منتشر شود. بازی نبرد با محوریت عملیات‌هایی از دوران دفاع مقدس که در آنها غواص‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند، طراحی شده است. این بازی که در جشنواره بازی‌های رایانه‌ای تهران، لوح تقدیر رادر بخش «بهترین دستاورد طراحی بازی» به‌دست آورد، یک بازی دوبعدی متشکل از ۲۱کمپ پلی متفاوت (مخفی‌کاری واکنش) است که در محیط هور، نيزوار و ابره‌های مناطق هورالعظیم و جزیره مجنون در جنوب غربی کشور طراحی شده و کاربرد در نقش یک زرمنده غواص و زرمنده سوار بر قایق در هر مرحله ۲ماموریت شناسایی و تخریب مواضع شناسایی‌شده را برعهده دارد. تیم ۵نفره ساخت این بازی شامل مدیر تولید، مدیر بخش فنی، مدیر هنری، مدیر بخش صدا و موسیقی همراه کارگردان بازی طی حدود یک سال درگیر تولید این بازی بودند و در جلساتی مهم‌ترین جزئیات مربوط به عملیات‌های دفاع مقدس را با برخی از سرداران و جانبازان دوران دفاع مقدس که جزو نیم‌های شناسایی غواصی بودند، مرور کردند.

روایتی از زندگی و حماسه‌آفرینی ۷ن از فرماندهان بزرگ دفاع مقدس است که مخاطب بازی با ابعاد شخصییتی، تحصیلی، خلاقیت‌ها و شجاعت‌ای قهرمان همیشگی این بزم عزم آشنا می‌شود. علاوه بر روایت کمیک‌موشن هر داستان، امکان دسترسی به اسناد، تصاویر و فیلم‌های واقعی نیز در این محصول گنجانده شده تا مخاطب بتواند با زندگی این فرماندهان بیشتر آشنا شود. نکته قابل توجه دیگر وجود بازی‌های زیبا، جذاب و سرگرم‌کننده متناسب با داستان هر کدام از فرماندهان شهید است که به‌خودی خود می‌تواند به‌خوبی ذائقه کودک‌ان و نوجوانان را پوشش دهد. مخاطب در مراحل مختلف با این فرماندهان شهید و توانمندی‌های آنان در حوزه تاکتیکی و فرماندهی آشنا می‌شود. بازی به‌صورت امتیازی و تکرارپذیر است و کودک می‌تواند چندین مرتبه تا بازی را به هر یک از شخصیت‌ها ارتباط برقرار کند. حمید افسری، جذابیت بازی‌های ویدئویی را در تعاملی بودن آن می‌داند و می‌گوید: «مخاطب حین بازی خودش را در فضا و دنیای طراحی شده بازی قرار می‌دهد و می‌تواند با شخصیت‌های بازی همراه شود، تصمیم بگیرد و خود را به جای شخصیت داستانی قرار دهد. این وجه بسیار متمایز بازی‌های ویدئویی با سایر رسانه‌ها در انتقال پیام است.»

اثرات مثبت و منفی بازی‌های دیجیتال

وقتی شما به کودک و نوجوان این اجازه را می‌دهید که خودش را جای شخصیت و قهرمان قرار دهد، به‌طور حتم آن بازی در روح و روان و زندگی او تأثیر گذار است. افسری می‌گوید: «این تأثیر می‌تواند منفی یا مثبت باشد. انتقال مفاهیم در قالب بازی به‌مراتب تأثیر گذارتر

همیشه‌پری

یاد
مژگان مهرابی؛ روزنامه‌نگار

مروری بر زندگی شهید سیدجعفر موسوی به روایت برادرش

معلمی که قرار بود پزشک شود

بعد از گذشت سال‌ها از شهادت آقا معلم، دانش‌آموزانش هنوز نیکی‌های او را به یاد دارند و هر بار که نامش برده می‌شود دلشان می‌لرزد. آقا سیدجعفر موسوی، الگوی معرفت و خلاقیت بود. رفقا دست‌نوشته‌های او را در مسجد امام(رضاع) به یادگار نگاه داشته‌اند. هر زمان هم که دلتنگ او می‌شوند سری به مسجد می‌زنند. سیدجعفر در روزهای آرام ایران پای تخته‌سیاه، درس معرفت می‌داد و به محض مطلع شدن از عملیات، راهی جبهه می‌شد. دلاوری بود شجاع و نترس. داستان جنگاوری‌اش را باید از هم‌زمانش شنید که چطور جسورانه به قلب دشمن می‌زد و از جراحت یا شهادتش باک‌ش نبود. او در همان روزها به فکر افتاد که سراغ رشته پزشکی برود تا بیشتر به کار مردم بیاید. سال ۶۷در آزمون سراسری شرکت کرد، در رشته پزشکی هم قبول شد اما کارنامه‌اش زمانی به‌دست مادر رسید که می‌خواستند پیکرش را تشییع کنند.

تاریخ تولد آقا جعفر به سال ۱۳۴۴برمی‌گردد؛ ۲۶دای ماه. زمان شهادتش هم هم‌راد سال ۱۳۶۷و عملیات مرصاد. جعفر نورچشمی مادر بود و عصای دستش. انگار خدا او را خلق کرده بود فقط

برای خوبی کردن به دیگران. اگر بین دوست و آشنا یا همسایه‌ها کسی نیاز به کمک داشت نخستین کسی که خودش را برای یاری کردن می‌رساند سیدجعفر بود. علاوه بر خیرسانی اخلاق خوشی داشت. هم شوخ‌طبع بود و هم سززننده. وارد هر جمعی می‌شد امکان نداشت به کسی بد بگذرد. می‌گفت و می‌خندید و همه را به شاد بودن وامی داشت. اما یک وقت‌هایی هم جدی می‌شد. آن زمان بود که هیچ‌کس نمی‌توانست در چشم‌هایش نگاه کند.

معلمی صاحب‌سبک بود

بار اولی که عزم رفتن به جبهه را کرد ۱۵سال داشت. اجازه نمی‌دادند برود اما او شناسنامه‌اش را دستکاری کرد و راهی جبهه شد. از زمانی که دیلم بگیرد مرتب به منطقه می‌رفت. فقط زمانی به دیدن خانواده می‌آمد که می‌خواست امتحان بدهد. بعد از گرفتن دیلم به عنوان معلم در مدرسه مشغول به فعالیت شد. معلم پرورشی بود؛ از آن دسته معلم‌هایی که صاحب‌سبک هستند. سر کلاس با چپ‌ها سرودهای انقلابی یا خاطاتی تمرین می‌کرد. سیدعلی برادرش می‌گوید: «از وقتی معلم شده بود بیشتر وقتش را در مدرسه می‌گذراند و زمان عملیات به جبهه می‌رفت. بارها و بارها مجروح شده بود. شاید ۱۰-۱۵بار. اما خبر نمی‌داد که در کدام بیمارستان است. هر بار خودش را به یک اسم معرفی می‌کرد؛ مثلا احمد شایگان از هر مژگان. بعد او را به بیمارستان بندرعباس می‌برد. نمی‌خواستند پدر و مادرش دغدغه مجروح شدنش را داشته باشند.» اگر تهران بستری می‌شد دوست نداشت خانواده به دیدارش بروند. به مادر هم سفارش می‌کرد که اگر برای همه زرمنده‌ها غذا می‌آورد که مانعی نیست در غیراین صورت برای او هم غذا بیآورد.

زخمش را خودش بخیه می‌زد

سید جعفر از دوره نظامی تا امدادگری را آموزش دیده بود تا هر جا که نیاز به کمکش دارند بتوانند کارساز باشد. حضور در جبهه‌ها انگیزه‌ای نام‌برای او تا بخواهد شانس خود را در آزمون سراسری امتحان کند و درس طبابت بخواند. سیدعلی از علاقه برادرش به مطالعه کتاب‌های پزشکی می‌گوید: «کتاب‌های پزشکی زیاد می‌خواند و به علم تشریح هم وارد بود. میکروسکوپ داشت. برای خودش اعضه‌هایی بود. در کارهای پزشکی تخریح داشت. ترکش‌های بدنش را خودش یکی یکی در می‌آورد یا زخمش را خودش به تنهایی بخیه می‌زد.»

شب آخر…

شب آخر که می‌خواست برود مادر ساک‌اش را پر کرده بود از نقلات، خودش هم مقداری کتاب گذاشته بود مثل هر شب اما خوابش نمی‌برد. جعفر تا صبح بیدار بود و می‌نوشت. آنان را که گفتند نمازش را بخواند و ساک‌اش را خالی کرد فقط وسایل خطاطی‌اش را برداشت و یک دست لباس، مادر گفت از سر شب ساک‌ات را پر کردیم و حالا همه را بیرون گذاشتی؟ گفت: «ساک سنگینی می‌شود و کتفم را اذیت می‌کند.» وقت خداخافظی مادر گرم‌پاش گرفته بود. چرای‌اش را نمی‌دانست. پيشانی‌اش را بوسید. او رفت و انگار مادر دل را هم با خودش برد. سیدعلی می‌گوید: «وقتی جعفر رفت مادرم مثل همیشه خواست وسایل را راجع‌آوری کند که بر گهای پیدا کرد. از بالا تا پایین آن یک جمله نوشته بود با یک امضا. شهید سیدجعفر موسوی. انگار به او الهام شده بود که دیگر بر نمی‌گردد.» سیدجعفر برنگشت. روز تشییع پیکرش کارنامه قبولی او در دانشگاه به‌دست مادر رسید. رشته پزشکی قبول شده بود.

لحظه شهادت

خرداد سال ۱۳۶۷ زمانی که متناقضین قصد حمله به مناطق غربی کشور را داشتند، سیدجعفر خردار شد و راهی منطقه غرب شد. در آنجا درگیری سختی بین زرمنده‌ها و منافقان صورت گرفت. از بین افراد اعزام شده فقط ۵نفر مانده بودند. خواستند بین تپه‌ها موضع بگیرند که گلوله‌ای به پهلوی سیدجعفر اصابت کرد. سیدعلی می‌گوید: «این ۵نفر توسط متناقضین اسیر می‌شوند. یک به یک‌شان شکنجه شده و با تیر خلاص به شهادت می‌رسند. متناقضین صورت برادر را الگ‌مال کرده و زنده زنده پوست‌کنده و سپس سوزانده بودند.»



مزار متفاوت برای یک شهید مستندساز در گلزار شهدای بهشت زهرا(س)

مختلف مورد توجه مردم قرار گرفت. فیلم‌های مستندی همچون «صدای پای نور»، «یلام، شهر آتشباران» و فیلم‌های داستانی «وارث»، «معبّر» «سرباز کوچک»، «یک قطره دریا»، «دفاع‌مقدس» و «ناتی شماره یک» نتیجه تلاش بی‌وقفه این شهید هنرمند ساکن جنوب شهر بود. کاروچین فیلمبرداری از عملیات «یک‌کشنبه ۲۱دی ۱۳۶۵خودش را برای پشت سر تازه گرفت و زمانی که یک‌کشنبه ۲۱دی ۱۳۶۵خودش را برای پشت سر گذاردن امتحانات کارشناسی آماده می‌کرد به جمع اکیب فیلمبرداری جنگ بیوست و عازم منطقه شلمچه شد. شهید سیفی سرانجام بعد از ظهر پنجشنبه ۲۵دی‌ماه ۱۳۶۵در یکی از حساس‌ترین کارهای فیلمبرداری خود در فتح جزیره «فواربون»، مورد اصابت ترکش قرار گرفت و تلاش پزشکان برای نجات او بی‌نتیجه ماند و آقا ایت در سن ۲۸سالگی به شهادت رسید و روح پاکش به عرش کبریایی پرواز کرد. شهید سیفی به‌عنوان یکی از اعضای گروه مستندسازی در زمان جنگ بود و با افراد و چهره‌هایی همچون جواد شمقدری، علیرضا سجادیپور، حسن علم‌رسانی و محمد درمنش همکاری داشت. آخرین فعالیت شهید سیفی، مستند داستانی «یلام، شهر آتشباران» بود که سال‌ها قبل در جشنواره فیلم لامتو مورد توجه مخاطبان قرار گرفت. آقا ایت در این فیلم مستند داستانی به‌عنوان راوی و بازگو به ایفا نقش پرداخته است.

با قدم زدن در کوچه و خیابان‌ها با نام‌هایی بر خورد می‌کنیم که در دوران دفاع مقدس اختراع آفرین

و حماسه‌ساز بودند. نمونه‌اش یکی از دانشجویان نخبه دانشگاه شهیدبهشتی در رشته فیزیک هسته‌ای و ساکن یکی از محله‌های قدیمی تهران بوده که در دوران جنگ دوربین فیلمبرداری دست می‌گیرد تا حال و هوای جبهه‌ها را ثبت و ضبط کند.

شهید «آیت‌الله سیفی» در سال ۱۳۳۷ در شهر سراب متولد شده. در کودکی و نوجوانی خیلی زود هوش و نبوغش را در مدارس دوره ابتدایی و راهنمایی نشان می‌دهد و پس از اتمام تحصیلات دبیرستان با رتبه عالی وارد دانشگاه می‌شود. او در دانشگاه شهیدبهشتی در رشته فیزیک هسته‌ای مشغول به تحصیل شد. شهید سیفی با آغاز انقلاب فرهنگی،

حوالی سال ۱۳۵۹ دست نگذاشت. او با توجه به تأثیر گذاری فرهنگی و اخلاقی در سینما

و تلویزیون در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، هنر

فیلمسازی را آموخت و پس از مدت کوتاهی مهارت

لازم را به‌دست آورد. هنر فیلمبرداری در شهید آیت‌الله

سیفی در دوران دفاع‌مقدس و در زمان جنگ به بلوغ و شکوفایی استعداد رسید و با ساخت فیلم‌های جنگی



از کتاب و فیلم است. استفاده از مفاهیم دستوری، پرمتخو و عدم تناسب بار ده سنی کودک باعث ضربه زدن به تولید بازی می‌شود و باید در بازی‌هایی با موضوع دفاع مقدس به این موارد دقت شود.» افسری معتقد است ایران در تولید، طراحی و تصویرسازی بازی‌های موبایلی و جزئیات فنی جزو کشورهای بسیار پیشرفته است: «خوشبختانه از نظر تولید بازی و لحاظ کیفی در کشور ما هیچ مشکلی وجود ندارد اما اینکه چرا این بازی‌ها برای هر یک خانواده‌ها همچنان ناشناخته هستند، به تبلیغات مربوط است. محصولات متناسب با حوزه‌های فرهنگی، دینی و ارزشی نیاز به حمایت و تشویق از سوی نهادهای مرتبط مانند صدا و سیما، وزارت ارشاد، وزارت ارتباطات، سازمان تبلیغات … و. دار د تا خانواده‌های بیشتری با این محصولات آشنا شوند. متأسفانه در چند سال گذشته به دلایلی در تولیدات گروه‌های تخصصی در حوزه بازی‌های دفاع‌مقدس پایین آمد و تولیدکنندگان از حمایت لازم از سوی نهادهای و متولیان این بخش برخوردار نبودند. نهادهای حکیمیتی و متولیان فرهنگی به‌ویژه در حوزه دفاع مقدس می‌توانند با تعریف پروژه‌های کوچک، متوسط و بزرگ، مخاطب نوجوان و کودک ما را با این حوزه همچنان آشنا نگه‌دارند.»

مکت



مزار متفاوت برای یک شهید مستندساز در گلزار شهدای بهشت زهرا(س)

دانشجوی فیزیک هسته‌ای در جبهه چه می‌کرد؟



دوربین آقا ایت، آشنای جبهه‌ها

یکی از زیبایی‌ها گلزار شهدای بهشت‌زهرا(س) نوع طراحی سنگ‌مزارها، شعرها و مضامینی است که روی سنگ قبرها نوشته شده‌است. از جمله این مزارها می‌توان به مزار دانشجوی شهیدهنرمند آیت‌الله سیفی در قطعه ۵۲ اشاره کرد. بر سر مزار این شهید در طرحی ابتکاری یک دوربین فلزی بزرگ قرار دارد که از دور می‌توان حسد ز میان این نماد با حرفه و تخصص این شهید رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بر سر مزار این شهید این اشعار حماسی حک شده که توجه هر رهگذری را به‌خود جلب می‌کند: «ما در ره دوست یقین بیمان نکنیم / اگر جان طلبید دریغ از جان نکنیم/ دنیا اگر از یزد لبریز شود / ما پشت به سالار شهیدان نکنیم.»